

ردیف و تبعیض

ردیف

تبعیض

محمد احسان تقی زاده

در کلاس

مقدمه:

کلاس‌های دیگر و... در این مسأله دخالت دارند؟ آیا قرار گرفتن شاعران بستگی به مدیر و ناظم و معلم ندارد، بلکه عوامل پیچیده، روانی، اجتماعی و جسمانی دخیل و سهمیه‌اند؟ آیا تقسیم‌بندی شاعران در کلاس کاریست که معلم ناخواسته و به طور سهوی انجام می‌دهد؟ آیا تا کنون در ایران به این مسأله اندیشیده شده؟ اگر بلی چه کسانی و اگر خیر چرا؟ آیا این همه تحقیق، رساله، مقاله، کتاب که در باره معضلات آموزش و پرورش نگاشته می‌شود، یکی از آنها تا کنون به موضوع ردیف و تبعیض در کلاس درس پرداخته است یا خیر؟ آیا وجود این همه تکرار مکررات درباره بعضی موضوع‌ها مثلاً افت تحصیلی لازم است؟ آیا تا به حال در زمینه عدالت در آموزش در پرورش کتابی یا مقاله‌ای نوشته شده است؟

امیدوارم به قدر مقدور پاسخگوی بعضی سئوالات مطروحه باشم. خدای منان را می‌خوانیم ما را از تاریکی‌های وهم بیرون آورده، به نور فهم گرامیمان دارد و درهای رحمتش را به روی ما بگشاید و خزائن علومش را بر ما نشر کند.

معیارهای نشان دادن شاعران در کلاس درس

بدون شک طرز نشستن، مکان قرار گرفتن شاعران، آگاهانه یا ناآگاهانه، اختیاری یا اجباری، در دریافت اطلاعات، چگونگی شنیدن، درک پیام‌ها، کیفیت صدا، دقت آنان، میزان تمرکز حواس، احساس گرمی، سردی، رطوبت، کرامت، حقارت و صدها مسئله

معمولاً هر یک از ما به هنگام برقراری ارتباطات کلامی، فاصله‌ای را رعایت می‌کنیم. نحوه، مقدار، میزان و تنظیم فاصله با دیگران متناسب با شرایط مکانی، زمانی، فرهنگی، اجتماعی، و همچنین ادب، مقام اشخاص و حالات روحی و عاطفی و فکری ما و دیگران، متفاوت است. هنگام صحبت کردن، نوع وابستگی با مخاطب و یا مخاطبین تعیین کننده اندازه فاصله و حریم فضای کلامی است. مثلاً اینکه طرف مقابل ما چه کسی باشد، یکی از اعضای خانواده، دوستان، همکاران، استادان، شاگردا، دولتمردان، متولین، بینوایان، دشمنان و... ما بر اساس روابط رسمی یا غیر رسمی، مقدار فضا و فاصله را جهت گفت و شنود، تفهیم و تفاهم و اخذ و ارسال پیام تغییر می‌دهیم. زمانی که در کلاس درس نشسته‌ایم و یا در مجلس مهمانی حضور داریم و یا اینکه به مجلس سخنرانی رفته‌ایم و نیز هنگامی که با کسی گفتگو، مصاحبه و مباحثه داریم میزان بهره‌وری و بهره ما از آن مکانها منوط به جایی است که در آنجا قرار گرفته‌ایم. مبحث ما در باره ردیف‌های نشستن در کلاس درس است، در اینجا سئوالاتی مطرح می‌شود و حتی المقدور، سعی ما بر این است که پاسخگوی آنها باشیم، آیا تمام شاعران به یک اندازه شانس نشستن در ردیف‌های اول و آخر کلاس را دارند؟ آیا کلیه دانش‌آموزان در هر ردیفی، به طور یکسان از کلاس استفاده می‌کنند؟ آیا معلم عادلانه و آگاهانه شاعران را در ردیف‌های مختلف کلاس قرار می‌دهد؟ غیر از معلم، آیا مدیر و ناظم و معلمان

عاطفی و روحی و اجتماعی دانش‌آموزان اثربخش و نتیجه‌آفرین است.

می‌دانیم که کودکان به عنوان پدران و مادران آینده این کشور، با تمام قابلیت‌ها و استعدادها و عواطف و زمینه‌هایشان موجوداتی هستند، معصوم، بی‌آزار، کم‌قدرت، بدون سلاح، ضعیف، بی‌طرف، بدون تقصیر در گرفتاریهای متعدد اقتصادی، روحی، سیاسی و اجتماعی ما بزرگسالان و بیشتر از اینان آنان هیچ‌گناهی در کم‌سوادی ما ندارند، لکن با این وضع و حال قربانی انواع و اقسام ضعف‌های بعضی از معلم‌ها و مربیان، قرار می‌گیرند. یکی از این کاستی‌ها، کم‌اطلاعی از فرآیند عدالت در کلاس درس و طرز نشان دادن دانش‌آموزان در ردیف‌های مختلف و فرآیند عدالت در کلاس درس و طرز نشان دادن دانش‌آموزان در ردیف‌های مختلف و اثرات این کار است، البته نقص‌های دیگری هست که ما قصد وارد شدن به آن مقولات را نداریم.

در یک کلاس، با داشتن معلمی کم‌اطلاع به فلسفه آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت، ممکن است فرض بر این باشد که جمیع شاگردان به طور مساوی پیام‌های معلم را دریافت می‌کنند، تصور معلم شاید اینطور باشد که فضای محدود کلاس، دارای تنوع فراوان از نظر شرایط دریافت پیام، از نظر دید، شنیدن، وضع حالت بویایی، حرارتی، نگرشها و اثرات یادگیری و... نیست و فرقی نمی‌کند. این در حالی است که جایگاه و محل نشستن هر شاگردی در کلاس از عوامل متفاوت و متعددی تبعیت می‌نماید. ملاکهای انتخاب شاگردان در تقسیم‌بندیهای کلاس توسط معلم‌های آموزش و پرورش از یکی به دیگری تا حدودی فرق می‌کند. بعضی طبقه‌بندیهای معلم برای نشان دادن دانش‌آموزان در ردیف‌های مختلف کلاس، هیچ پایه و اساس منطقی و علمی ندارد، چه بسا نگرشهای ناصحیح و عقده‌گشایی‌ها و بدبینی‌های مفرط سبب این چنین وضعی نشده باشد. شاید بعضی از معلم‌ها بر حسب عوامل ذیل مبادرت به نشان دادن دانش‌آموزان در ردیف‌های جلو و وسط و آخر می‌نمایند:

۱) عوامل جسمانی نظیر، قد، وزن، قیافه، زیبایی، زشتی، رنگ پوست.

۲) عوامل درسی و تحصیلی نظیر، زرنگی، تنبلی، میزان نمره‌های آنان، سبک مشق نوشتن، تکلیف انجام دادن، آفرین‌های عددی از صفر تا بی‌نهایت گرفتن؟!؛

۳) عوامل اقتصادی-اجتماعی نظیر:

لباس شیک پوشیدن شاگردان، عطر و آراستگی ظاهر، ادکلن زدن، کیف و کفش، مداد و قلم، کلاه و پیرهن، جوراب و مانتو، چادر و مقنعه، عینک و سمعک، جا مدادی و مدادتراش، پاک‌کن، جلد کتاب و دفتر، روپوش، لباس ورزش، و یا بی‌پولی و ضعف مالی، شیک پوش نبودن، عطر و ادکلن نزدن، لباس و کفش و کیف و لوازم التحریر مد بالا نداشتن، ضعف شنوایی و بینایی داشتن، آراستگی و آرایش ظاهر نداشتن و...

۴) عوامل فردی، اجتماعی نظیر، بلبل‌زبانی شاگردان، شیرین‌زبانی، داشتن یا نداشتن بیانی جذاب، برخورد‌های مناسب یا نامناسب، نحوه سلام و احوالپرسی شاگردان، نحوه اجازه گرفتن برای آمدن و رفتن، به همراه والدین به مدرسه آمدن، نیامدن والدین به مدرسه، روز معلم هدیه سنگین و سبک دادن، دعوت کردن، تلفن زدن به مدرسه و خانه معلم، عیادت معلم رفتن، مسایل همسایگی، نزدیکی، ارتباطات خانوادگی، مسایل سیاسی و خطی، باندبازی، لجبازی کردن شاگردان، بداخلاقی، کند فهمی، بدرفتاری و...

۵) عوامل مربوط به موقعیت شاگرد در گروه نظیر، ضعیف و قوی بودن، رهبر و مطیع بودن، پذیرش و طردش از سوی گروه، نقش گروهی، احترام به سایر اعضای گروه، قبول کردن یا نکردن مقررات گروهی، ایفای نقش یا بازی نقش در گروه، و غیره.

۶) اثرات مربوط به تست‌های بهره‌هوشی، در مورد این تست‌ها لازم است به نکات ذیل توجه شود: اولاً این تست‌ها هوش را اندازه نمی‌گیرند، بلکه بهره‌هوشی را می‌سنجند ثانیاً بهره‌هوشی اشاره به میزان استفاده و رشدی است که شاگردان متناسب با امکانات مادی و معنوی در طول زندگی‌شان داشته‌اند و هرگز نمی‌تواند معیار درستی از تمامی استعدادها و به طور کلی کلیت هوش کودک ارائه نماید ثالثاً معیار قرار دادن نتایج تست‌های هوش خود سبب ایجاد نگرشهای غلطی از شاگردان در ذهن معلم‌ها می‌شود و این می‌تواند یک فاجعه روانی و ذهنی به بار آورد. یکی از آن هزار فاجعه همین نشان دادن دانش‌آموزان بر اساس تقسیم‌بندیهای تست‌های بهره‌هوشی است.

۶) عوامل ذهنی و روانی و عاطفی و اجتماعی معلم‌ها نظیر، طرز تفکر، میزان سواد، ثبات یا عدم ثبات عاطفی، تربیت، فقر یا غنای مالی، آرامش یا اضطراب، وضعیت جسمانی، اخلاقی و فکری معلم، مجرد یا متأهل بودن، گرفتاریهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی او، برداشتها، قضاوتها، دانشها، عقده‌ها، کینه‌ها، مجاهدتهای نفسانی، و سرانجام برخورداری از سلامت عاطفی و روحی و یا...

۷) خود شاگردان، علایق و سلیق، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، فرار از پرسش‌ها، استقبال از سئوالات، افسردگیها، شلوغیها، جسارتها، خجول بودن یا پررو بودن، خواستههای مکرر و...

۸) و سرانجام جلوگیری از بروز مزاحمت، انحراف و شلوغی

در کلاس درس یا منظم و ساکت کردن شاگردان توسط معلم، خود عامل دیگری است.

عناصرهای حسی مؤثر در کلاس

حواس پنجگانه شاگردان به طور یکسانی وظایف خود را انجام نمی‌دهند، در این میان دو حس شنوایی و بینایی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. قسمت اعظم در یافته‌های ذهنی توسط

رانندگی، نداشتن سوء پیشینه کیفری، حسن شهرت، سوابق رانندگی و... بعد از مدتی آقای راننده تصادف می‌کند و عده‌ای را به کام مرگ می‌برد، پس از بررسی و واریسی مسأله مسئولین امر متوجه می‌شوند که راننده مبتلا به بیماری صرع است، در واقع در آموزش و پرورش برخی معیارهای ریز اما مهم وجود دارند که کمتر مسئولین امر، مدیرها و معلم‌ها و... بدانها توجه می‌کنند، همیشه مجموعه عواملی دست به دست هم می‌دهند و تولید مشکلات یا رشد می‌نمایند. مشکل در خلاء به وجود نمی‌آید. علت مشکلات به اتساعها و علی‌الخصوص قشر با سواد برمی‌گردد، اینها سردمدارند در هر کشوری، لکن کم‌اطلاعی، بد اطلاعی، به موقع اطلاع نداشتن در کارها مربوط به خودشان تولید نارسایی می‌کند. یک معلم با چنین وضعی غالباً مشکل آفرین، خلاقیت‌کش و مختل‌کننده فرآیند صحیح آموزش و تربیت است. همانگونه که ضعف فنی و علمی و روحی راننده، قاضی، دکتر، مهندس، مدیر، مبلغ، مکانیک، سبب خرابی امر رانندگی، تضاد، شناخت و درمان بیماریها، تأسیسات ناقص، عدم هماهنگی بین کارها و نیروها و... می‌شود.

در کلاس درس، هر مقدار که شاگردی دورتر از معلم (فرستنده پیام) باشد به همان اندازه پیام ضعیف‌تری را دریافت می‌کند و اگر هم دریافت نماید، میزان دقت و فهم، کمتر خواهد بود. قدرت صدای معلم و ریتم و آهنگ و نوسان صدایش، می‌تواند سبب تعدیل، رشد و ترقی هیجانها، عواطف، حواس، کنجکاوی، فراگیری، هوش، حافظه، مهارت و یادگیری گردد. در غیر این صورت سبب تخریب موارد مزبور خواهد شد. صدای معلم می‌تواند شاگرد را وارد صحنه درسی کلاس کند یا او را گریزان نماید. یعنی این صدا می‌تواند هیجان آفرین یا هیجان‌کش باشد. اهمیتی که شاگرد به صحبت‌های معلم می‌دهد تا حدود زیادی منوط است به چگونگی صدای او، بهنجار یا نابهنجار بودن صدای معلم، فضای آموزش کلاس را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. ضعف و خستگی دانش‌آموزان در کلاس درس تا حدودی به همین عامل مربوط می‌شود. از طرف دیگر در انتهای کلاس رقیابتی بین پیام ضعیف معلم و پارازیت‌های شاگردان اطراف و یا صداهای مزاحم بیرون کلاسی برقرار می‌شود و مزید بر علت می‌شود.

حرکات و حالات غیر کلاس معلم عامل دیگری است که به طرز یکسان روی تمامی ردیف‌های کلاس اثر ندارد. دانش‌آموزی که در ردیف جلوه وسط یا آخر نشسته است تقسیم واحدی از این پدیده‌های ندارند. از آنجا که بهترین و رساترین پیام‌ها و اطلاعات از طریق چهره و چشم منتقل می‌شود، دانش‌آموزی که در ردیف عقب کلاس قرار گرفته از این عناصر مهم، تکمیل‌کننده و اثربخش بهره‌مند نمی‌شود. پیامهایی که از فاصله‌های نزدیک دریافت می‌شوند، پربارتر، غنی‌تر و اثربخش‌ترند.

شاگردان ردیف جلو، پیام‌های کلاس و غیر کلاس معلم را



حواس سمعی و بصری صورت می‌گیرد. بر همین مبنا دوری و نزدیکی شاگردان از مرکز مهم انتقال مفاهیم و پیام یعنی معلم اثرات متفاوتی برجای خواهد گذاشت. چه بسا شاگردی ضعف بینایی و شنوایی داشته باشد و به دلایل گوناگونی مورد شناسایی و درمان قرار نگرفته باشد و خود نیز در خانواده‌ای محروم بزرگ شده و توسط معلم در ردیف آخر نشاندگی شده باشد، حالا با این چنین وضعی و با این گره‌های معلم ساخته و معلم پرداخته آیا می‌توان انتظار موقعیت تحصیلی، سازگاری رفتار، بیانی قوی، نمراتی بالا، احساسی خوشایند از سوی دانش‌آموز داشت. مدرسه مینیاتور اجتماع و آمپر خانوادگی است، هر نوع خوشی و ناخوشی، گرفتاری اجتماعی و خانوادگی، مادی و معنوی، روحی و علمی، عاطفی و اخلاقی، بر دانش‌آموزان تأثیر مثبت یا منفی ایجاد خواهد کرد. هر زمانی که اجتماع یا خانواده شاگرد سرما می‌خورد، مدرسه و شاگردانش سینه پهلو می‌کنند، این اثر در جمیع جهات فردی و اجتماعی، جسمانی و معنوی و... قابل رؤیت است، یکی از ظرافتهای در خور توجه مربوط به استخدام معلم‌های آموزش و پرورش است، شما مؤسسه‌ای را در نظر بگیرید که قصد دارد راننده‌ای را استخدام نماید، بدون شک شرایطی را در نظر می‌گیرد، مثلاً گواهینامه

بهتر درک می‌کنند، بین آنان و معلم ارتباطات تنگاتنگ قوی برقرار است، در اتمسفر عاطفی و آموزشی کلاس این قبیل دانش‌آموزان فیض بیشتری می‌برند. پیام برای شاگردان ردیف‌های وسط و آخر، ضعیف‌تر و کلی‌تر و مبهم‌تر است. علاوه بر موارد مذکور، شکاف بین ردیف‌های ثابت کلاس، ایجاد تعارض و کشمکش‌های اجتماعی، عاطفی و روحی می‌کند. طبیعتاً انسانها علی‌الخصوص کودکان واکنش عاطفی و ذهنی شدیدی نسبت به تبعیض و اجحاف نشان می‌دهند.

غالباً معلم‌های مدارس ابتدایی، بچه‌هایی را که در ردیف‌های اول می‌نشانند، دقیق‌تر، مؤدب‌تر، زرنگ‌تر، بهتر و بالاخره نمونه تلقی می‌کنند و همین نگرش را به تمام کلاس و والدین آنها انتقال می‌دهند. برعکس شاگردان ردیف‌های آخر را تنبل، بازیگوش، شلوغ، پررو، بی‌ادب و بد تربیت شده، پوست کلفت، تلقی و معرفی می‌نمایند. قطعاً شاگردی با این چنین تصویری از خویشتن یک نگرش منفی، بی‌کفایت، زشت و به درد نخور، فاقد اعتماد به نفس، کند ذهن، خرابکار، سربرار، ضد اجتماع و... پیدا خواهد کرد و تبع آن همین طرز تصور و تلقی را به عالم و آدم هم نسبت می‌دهد. شاگردان ردیف اول به حضور معلم، حرکات و پرسیدن، ریتم صدا و چهره او بیشتر عادت کرده‌اند و احیاناً ارتباطات عاطفی و قویتری را برقرار می‌کنند.

این حالت سبب علاقه و انگیزه بیشتر شاگرد به معلم و کلاس و مدرسه و در نتیجه بازدهی و گیرندگی بیشتری می‌شود و بالاتر از اینان، همان تصور مثبت و نگرش خویش بینانه‌ای که معلم نسبت به این شاگردان ابراز کرده است عامل اصلی، موفقیت تحصیلی، اخلاقی و تربیتی اینهاست. در عوض شاگردان ردیف آخر به خاطر فاصله زیاد اولاً حرکات و رفت و آمدها و نگاه‌های معلم را نه تنها خوشحال کننده و جذاب نمی‌پندارند (شاید به خاطر این باشد که عادت نکرده‌اند) بلکه به منزله تهدید قلمداد می‌کنند: نتیجه این چنین اوضاع و احوالی فاصله گرفتن متقابل شاگردان ردیف‌های آخر و معلم از همدیگر است و فرآیند کلی کلاس برای همه و به نفع همگان نخواهد بود، بلکه عده‌ای قلیل بهره می‌گیرند و شاهد پرورش ابتکار، هوش، خلاقیت، حافظه، مهارت و اخلاق و شخصیت تمامی شاگردان نیستیم و این قطره‌ای می‌گردد از قطرات دیگر مدارس دیگر در اقصی نقاط این میهن اسلامی و خود به خوان حدیث مفصل از این مجمل.

عوامل اجتماعی - روانی حاکم بر کلاس

دلنش‌آموزان ردیف اول به علت اینکه روابط ظریف‌تر، عاطفی‌تر، قوی‌تر و بهتری را با معلم برقرار کرده‌اند و مورد تأیید خاص معلم قرار گرفته‌اند، غالباً نسبت به معلم، خود مدرسه، جامعه و همکلاس‌هایشان، دید خوشبین‌تر، منطقی‌تر و رضایت‌بخش‌تری دارند. این تصور مثبت باعث علاقه‌مندی و



تلاش و انگیزه قوی‌تری جهت شرکت پربارتر در کلاس و فعالیتهای شخصی می‌شود. شاگردان ردیف‌های وسط، زمانی رقابت‌های سنگینی را با شاگردان ردیف‌های جلو دارند و گاهی هم به صف شاگردان ردیف‌های آخر می‌پیوندند. ردیف وسط یک منطقه انتقالی در کلاس است که در آن دانش‌آموزان تحت تأثیر اثرات مختلف و متضادی قرار می‌گیرند. یعنی با جذب نظم و درس خوانی شاگردان ردیف‌های اول می‌شوند و یا به شیفتهای ردیف‌های آخر می‌پیوندند. معمولاً هر بخشی از کلاس دارای ساختار ارتباطی خاصی است، از این لحاظ میزان تأثیر و تأثر ما در بین همه افراد کلاس یک جور نیست، کلاس درس درست است که یک مکان کوچکی از مدرسه و مکان کوچکتری از کل نظام آموزش و پرورش است، اما ریخت شناسی و فیزیولوژی و تعامل‌های خاص در هر کلاس منحصر به فرد است. کودکان در کلاس کوشش می‌کنند تا بر اساس شرایط و خصوصیات ویژه خود در مکانهای خاص قرار گیرند، یعنی مکانی که در آن احساس امنیت خاطر بیشتری کنند، دانش‌آموزی که در وسط کلاس قرار می‌گیرد، کمتر می‌تواند در بحث‌های جدی‌تری کلاس شرکت کند. یا شاگردان آخر کلاس تمایل بیشتری پیدا می‌کنند که منزوی، بی‌تفاوت، جمع ستیز و کم فعالیت بشوند. انتخاب محل برای

در کلاس درس، هر مقدار که شاگردی دورتر از معلم (فرستنده پیام) باشد به همان اندازه پیام ضعیف‌تری را دریافت می‌کند و اگر هم دریافت نماید، میزان دقت و فهم، کمتر خواهد بود.

از آنجا که بهترین و رساترین پیام‌ها و اطلاعات از طریق چهره و چشم منتقل می‌شود، دانش‌آموزی که در ردیف عقب کلاس قرار گرفته از این عناصر مهم، تکمیل‌کننده و اثربخش بهره‌مند نمی‌شود.

بعضی شاگردان آخر کلاس مهارت ویژه‌ای در سرگرم کردن بچه‌های کلاس پیدا می‌کنند، اینان تکیه کلامی خاص دارند و با حرف‌های خود شاگردان را مشغول می‌کنند.

منجر شود. شما ملاحظه خواهید کرد عدم رعایت در محیط کوچک کلاس درس توسط معلم زمینه‌ساز چه اعمالی است و چه حرکاتی را تقویت می‌کند و اثرش روی ذهن و اندیشه و شخصیت کودکان تا چه میزانی است. شاگردی که همواره مزور تشویق و تأیید آشکار و ضمنی معلم است و در بهترین جای کلاس نشسته، نه تنها احساس غرور می‌کند، بلکه در جستجوی مشروعیت بخشیدن به کارهای خود و جذب ارزش‌های مطلوب کلاسی و اجتماعی است و بر عکس شاگردان ردیف‌های عقب به خاطر تبعیض و ارائه تصویری منفی از سوی معلم به آنها افرادی مخرب، عقده‌ای، حسود، بدبین به زمان و زمین، بار خواهند آمد. تمامی استدلال‌های ما حکایت از اهمیت محل قرار گرفتن شاگرد در کلاس درس دارد. قطعاً ضایعه ذهنی و شخصیتی با هیچ چیزی قابل جبران نیست، حال این سئوالات مطرح است که چه کسی مسئول به وجود آمدن این ضایعات انسانی است؟ چه کسی جبران می‌کند؟ شاگردان و والدین آنها بایستی به کجا شکایت برند؟ به قول شاعر سخن‌شناس شیخ سعدی:

از دشمنان برند شکایت به دوستان

چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم

برقراری ارتباطات درون کلاسی

وقتی صحبت از ارتباط می‌شود، منظور روابط متقابل مربی و متربی است. حالا بایستی دید وضعیت این روابط متقابل برای

شاگرد در واقع محاصره فکری و تحرکی نمودن اوست و این راهبرد در کوتاه مدت منجر به افت تحصیلی شاگرد می‌گردد. این کار آینده تحصیلی درخشانی را برای او تضمین نمی‌کند. بعضی شاگردان آخر کلاس مهارت ویژه‌ای در سرگرم کردن بچه‌های کلاس پیدا می‌کنند، اینان تکیه کلامی خاص دارند و با حرف‌های خود شاگردان را مشغول می‌کنند. هم می‌خواهد معلمش متوجه نگردد و هم همه کلاسی صحبت‌هایش را بشنوند، در این حالت رفتاری ضد اجتماعی و منافقانه و چند شخصیتی در او شکل می‌گیرد. بعضی موارد هم گیر می‌افتد. در اینجا یا معلمش او را بیرون می‌کند و یا به کارهایش می‌خندد، در هر دو صورت تثبیت اعمال غیر اخلاقی در شاگرد را به همراه خود دارد، اگر بیرونش کند تحصیل، سرزنش و ازبین رفتن عزت نفس او را شامل می‌شود، اگر بخندد باعث استمرار حرکتی نابهنجار در شاگرد می‌شود. شاگردی که معلم به کار زشت او خندید، اولاً از اینکه توانسته توجه کلاس را به خود جلب کند، احساس اعتبار می‌کند، زیرا جرأت نشان داده و حالا هم تشویق شده ثانیاً شاگرد تصور می‌کند کار خلاف و جلب توجه نمودن از این طریق، امر خوبی است و این مسأله سبب تقویت و تکرار عمل او می‌شود ثالثاً ترس از گیر افتادن از بین می‌رود و تبدیل به شوق به گیر افتادن می‌شود. نتیجه این چنین عملی، عادت کردن به خطا و گرفتار آمدن است. رابعاً این شاگرد در کلاس با معلم خود که معرف رعایت حریم تکریم‌ها باید باشد، رفتاری بر اساس قانون شکنی و شکستن حریم تکریم را تجربه می‌کند و به تدریج آن را در جامعه تعمیم می‌دهد و گاه ممکن است به جریانات شدید ضد اجتماعی

جلو برشمردیم ندارند، زیرا وارد شدن آنها در مباحث کلاس پردر دسر تر است، از طرف دیگر بیشتر بایستی خود را درگیر مسایل عاطفی و فکری در کلاس بکنند، در صورت پاسخ غلط آنان، ممکن است از سوی معلم و سایر همکلاسیها مورد تمسخر و استهزا قرار گیرند و مواخات بین آنها و سایرین به هم بخورد، چه بسا بعد از این چنین وضعی برای توجیه پاسخ و کار خود شروع به دلیل تراشی نمایند که خود مزید بر علت خواهد شد.

وضعیت فیزیکی کلاس

در برخی از کلاسها به خاطر کوچک بودن مکان فیزیکی کلاس، قدرت مانور از سوی معلم کم است. زمانی که کلاس به نحوی است که معلم نمی‌تواند در میان ردیف‌های سمت چپ و راست به آخر کلاس برود، قدم بزند، احوالپرسی کند، بپرسد، بشنود، بگوید، بخندد، تکالیف را ببیند و خلاصه نظارت و کنترل حساب شده‌ای داشته باشد این امر، باعث می‌شود کلاس خصوصی بشود، خیل عظیمی از افراد کلاس از گردونه خارج شوند. در این اوضاع و احوال فتح الفتوح کار معلم برقراری عدالت آگاهانه برای همگان است و ثمره‌اش احیای شخصیت فردی و اجتماعی شاگردان به طور یکسان است، حالا اگر نگوئیم یکسان، وظیفه ما یکسان عمل کردن از لحاظ حقوقشان است، نتایج بعدی به شاخص‌های دیگر هوشی، اجتماعی و تلاش آنان بستگی دارد. وظیفه دست ماست لکن نتیجه به عوامل پیچیده دیگری منوط است.

* راه‌حل‌ها

- (۱) ساخت کلاسهایی به صورت سالن سینما (پله کانی) است، تا هر شاگردی متناسب با قدش بتواند استفاده نماید.
- (۲) دایره‌ای نشستن شاگردان راه حل دیگر است، در این وضعیت هم قدرت مانور معلم برای همگان یکسان است و هم ارتباطات چهره به چهره و مبادله پیام‌ها بین شاگردان بیشتر است. هم مسأله ردیف جلو و عقب و هم مسأله بالا و پایین نشستن حل می‌شود.
- (۳) چرخشی بودن ردیف‌های کلاس برای همه شاگردان، در این حالت مسأله تبعیض از بین می‌رود. دیگر عده‌ای همه‌اش جلو یا عقب قرار نمی‌گیرند.
- (۴) نشان دادن دانش‌آموزان در ردیف جلو بر مبنای زرتنگ بودن نباشد. بلکه بر مبنای عدالت برای همه و نارسایی‌های شنوایی و بینایی و مشکلات درسی و تحصیلی باشد.
- (۵) هیچ عامل اقتصادی، اجتماعی، جسمانی، رفاه و آسایش شغلی یا جهل و تشفی خاطر ملاک و معیار تقسیم‌بندی و نشان دادن شاگردان در ردیف جلو یا عقب قرار نگیرد.

همه یکسان است یا خیر؟ غالباً سطح گیرندگیهای حسی و ادراکی و عاطفی شاگردان ردیف‌های جلو، بیشتر از سایرین حاضر در کلاس است، و چنین حالتی معمولاً برای معلم‌های کلاس هم وجود دارد. آموزگار در مورد فهم و پیام خود از طرف شاگردان ردیف‌های جلو، اطلاعات بیشتری دریافت می‌کند و به طور ناخودآگاه تمایل دارد آنان را به عنوان مخاطبان خود تلقی کند، حتی اگر مخالفتی در سطح کلاس پیش آید، توجه معلم به عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان ردیف جلو معطوف می‌شود. هنگامی که سئوالی از طرف معلم مطرح می‌شود، داوطلبان اکثر از ردیف‌های اول هستند، زیرا هم شانس بیشتری دارند که به سئوال پاسخ دهند که باز برمی‌گردد به موقعیت مکانی آنها، هم با تشویق‌های زیادتر معلم رو به رو هستند و این خود مسبب اصلی پیشتان شدن این قبیل شاگردان در فعالیت‌های کلامی است. حتی زمانی که معلم در انتظار جواب است، نگاه خود را غالباً روی کسانی متمرکز می‌نماید که از آنان انتظار پاسخ را دارد. وی علاوه بر نگاه از حرکات ابروها، سر، دستها و تغییرات چهره جهت القا و راهنمایی و تشویق شاگردان ردیف اول به پاسخ‌های صحیح استفاده می‌کند، طبیعی است که مبادله پیام و هماهنگ نمودن امور با کسانی بیشتر است که مراد زبانتی با همدیگر دارند. معلمی که به سوی انتخاب‌های ویژه، تشویق‌ها و ارتباطات گزینشی حرکت می‌کند در واقع کلاس را به تغذایی اندک و قلیل محدود کرده و تمامی دانش‌آموزان را از استفاده مساوی از کل فضای حاکم بر کلاس اعم از آموزشی، پرورشی، عاطفی، اجتماعی و... باز می‌دارد. معلوم است که این سبک رفتار و آموزش عادلانه نیست، از طرف دیگر به کار نبردن روشها علمی جهت سودمندتر ساختن کلاس برای همگان یکی به دلیل ضعف بنیه علمی است، درم توجه بیش از حد به طبقه اقتصادی - اجتماعی شاگرد است، سوم غفلت از هدر رفتن قسمت اعظم استعدادها و نیروهای کلاس و چهارم عادات فکری و رفتاری خود معلم‌ها به این رویه ناصواب است حقیقتاً اسارتها انواعی دارند، یک نوع پیشرفته آن، این است که شاگرد بسان لُعبتی، بازیچه دست طبقات و بعضی معلمان گردند.

خود ما و شما حتماً بارها در کلاس مشاهده کرده‌ایم که شاگردان ردیف جلو اگر پاسخ سئوالی را بخواهند بدهند اولاً ابتدا با صدایی آهسته می‌گویند ثانیاً اگر غلط بود، معلم به طرزی که همه متوجه نشوند، طوری وانمود می‌کند که پاسخ اشتباه است ثالثاً اگر پاسخ صحیح بود آنگاه به طور رساتر و بلند در کلاس اظهار می‌دارد و مورد تشویق از سوی معلم قرار می‌گیرد. حال اگر شاگردی از ردیف عقب کلاس بخواهد به سئوال معلم پاسخ دهد، بایستی جواب را با صدای بلند (همان شاگردی که همیشه صدای معلم را کمتر می‌شنود) بگوید، در این حالت پاسخ شاگرد در معرض قضاوت معلم و همه کلاس قرار می‌گیرد، نتیجه اینکه شاگردان ردیف‌های آخر امتیازهایی را که برای شاگردان ردیف